

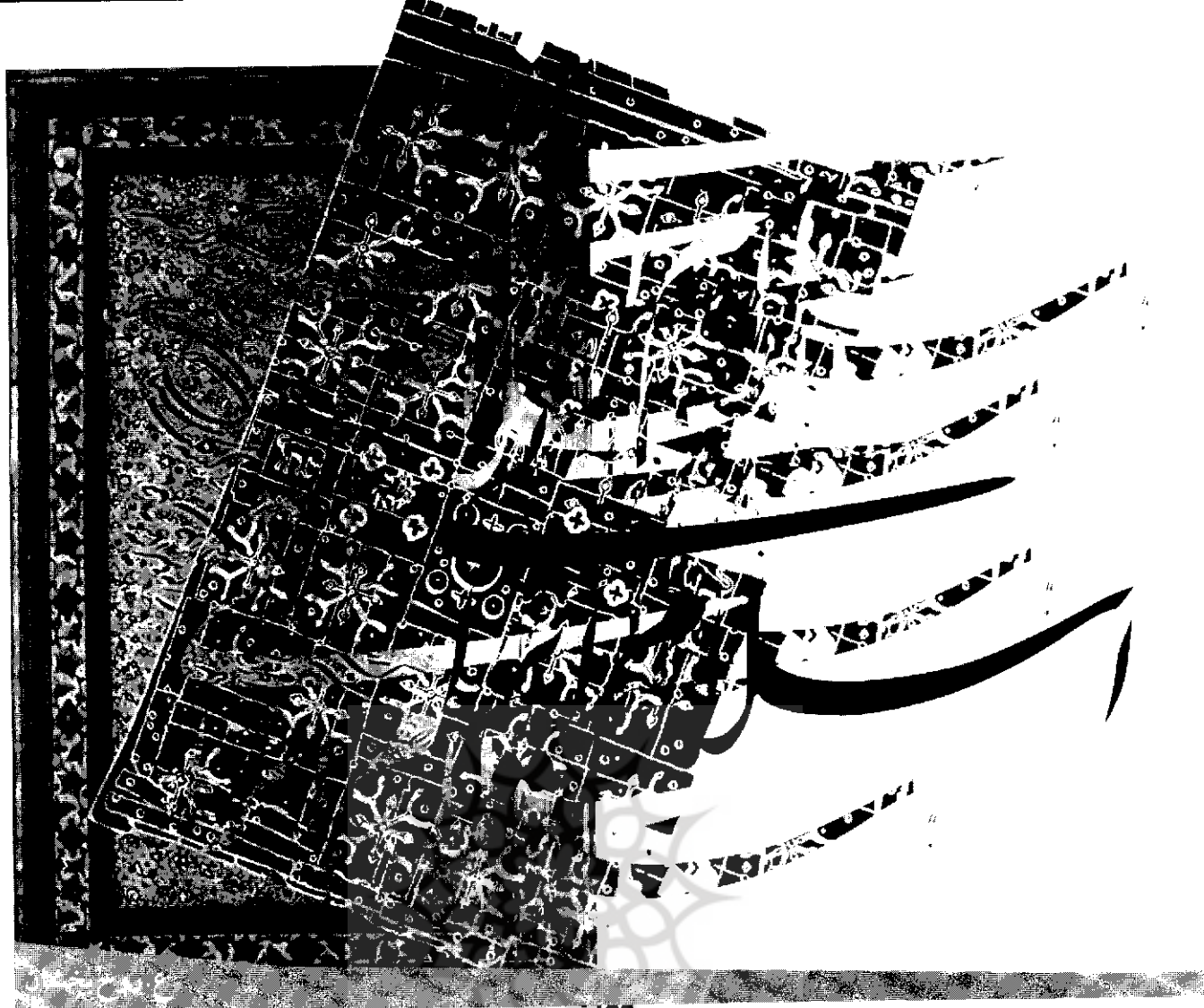
اسلام ایرانی کردن

بستند و توسعه دادند و بهره‌های مادی و معنوی بسیار بردند. در همان دوره توجه به ماهیت اسلام، کیفیت قرآن کریم و زندگی پیامبر اسلام (ص) هم افزایش یافت. ترجمه قرآن به زبان لاتین و تحقیق در زندگی پیامبر تقریباً به موضوع روز محافل علمی و دینی تبدیل شد (مادر مقاله «کتاب‌شناسی پیامبر (ص) به زبان فرانسه»، پیام کتابخانه، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، ص ۶۳ تا ۶۸ تحول نگرش فرانسویان، زندگینامه نویسی پیامبر اسلام را نشان داده ایم).

برخورد مسیحیان با اسلام، قرآن و پیامبر عمدتاً دو وجه داشت: دشمنانه و نسبتاً بی‌طرفانه و احیاناً جانبدارانه، که این هر دو وجه تا به امروز به صورتهای مختلف تداوم یافته‌اند و هر یک از آنها محققان و پیشگامان و تألیفات خود را داشته است. مادر اینجا به نگرش دشمنانه فرنگیها (مسیحیان) نسبت به اسلام نمی‌پردازیم زیرا در گزارشی که درباره یکی از تازه‌ترین تألیفات اروپایی در دست تهیه داریم، به این موضوع پرداخته خواهد شد. نگرش نسبتاً بی‌طرفانه هم در طول ده قرن گذشته تحول عمیق یافته تا به امروز که به طور جسته و گریخته به نگرش جانبدارانه رسیده و موجب شده است که در سی - چهل سال اخیر شمار درخور توجهی از متفکران غربی به اسلام بگردند.

پس از ظهور اسلام در مکه و مدینه و پا گرفتن آن در شبه جزیره عربستان و شروع به گسترش در سمتهای شمال شرقی (ایران)، شمال (روم شرقی، بیزانس، بیزنطیه) و شمال غربی (مصر)، عالم مسیحیت که در آن هنگام بر بیشتر جهان سیطره داشت و دین آن، آیین غالب جهان بود، با پدیده دینی تازه‌ای روبه‌رو شد که در آغاز واکنش جدی و همه‌جانبه‌ای نسبت به آن نشان نداد. اما با چیرگی اسلام بر ساسانیان و گسترش و پذیرش آن در ایران تا ماوراءالنهر و سبند در شرق، و استقرار آن در مصر و شمال آفریقا در غرب و پیشروی آن در اندلس، حکام و کشیشان و دست‌اندرکاران مسیحی به اندیشه پرداختند و دیری نپایید که با تبلیغات پر دامنه و ترفندهای گوناگون همگان، حتی پادشاهان را برای پیکار با اسلام بسیج کردند، سرانجام با نامها و بهانه‌های گوناگون یک رشته جنگ را بر مسلمانان تحمیل کردند که به نام «جنگهای صلیبی» شهرت یافتند و نزدیک به دو بیست سال طول کشیدند.

این جنگ، صرف نظر از عوارض و آسیبها و زیانهای بسیار برای هر دو طرف، مخصوصاً جامعه مسلمانان که متحمل ویرانیها و کشتارهای بسیار شد، فوایدی هم داشت. از آن جمله اینکه مسیحیان با فرهنگ و معارف و علوم و فنون مسلمانان آشنا شدند و بسیاری از علوم و فنون جامعه اسلامی را فراگرفتند و به کار



کتاب **اسلام ایرانی*** که در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) به وسیله مؤسسه گالیمار در پاریس منتشر شده متشکل از چهار جلد است، به این شرح:

۱. تشیع دوازده امامی، بیست و نه + ۳۳۲ ص، که به بررسی «وجه شیعه دوازده امامی» اختصاص دارد؛
۲. سهروردی و افلاطونیان ایران، ۳۸۴ ص؛
۳. رهروان عشق، تشیع و تصوف، ۳۵۸ ص؛
۴. مکتب اصفهان، مکتب شیخی، امام دوازدهم، بیست + ۵۷۰، که حاوی «نمایه عام» چهار جلد در ۱۰۷ صفحه است. ذیلاً به معرفی اجمالی آنها می پردازیم.

نبوت و امامت و ولایت

جلد اول چنانکه از عنوانش برمی آید به شناسایی و معرفی تشیع اختصاص دارد و مقدمه آن با این جمله آغاز می شود که: «در این کتاب مدعی آن نیستیم که تاریخ عمومی تفکر فلسفی و معنوی ایران را عرضه کنیم زیرا این کار هم بر حجم کتاب - که هم اکنون نیز سنگین است - می افزاید و هم مستلزم مطالعات کاملی است که در وضع کنونی، از آن بس دور هستیم و در نتیجه بسیاری از مطالب و مباحث از این کتاب غایب خواهند بود...

یکی از کسانی که با نگاهی مثبت به اسلام و پدیده های اسلامی مثل فقه، کلام، عرفان، تصوف و مانند اینها نگریسته است، هانری کوربن محقق و فیلسوف معاصر فرانسوی است که چون در معرفی کتاب **مکاتبات ایوانف و کوربن** شرح اجمالی احوالش را نقل کرده ایم در اینجا به تکرار آن نمی پردازیم.

مشخصه عمده کوربن این است که در تحقیقات خود اساساً به اسلام غیر سنتی و عمدتاً اسلام شیعی، که خودش آن را «اسلام ایرانی» نامیده پرداخته است - بگذریم از اینکه همین توجه موجب بروز بغض و دشمنی فرنگیان نو مسلمان متسنن شده است (نگاه کنید به: عبدالله دیوان آبادی، «استغراق نه التباس» [معرفی و نقد کتاب فرانسوی **چهار رساله چاپ نشده از روزبهان بقلی شیرازی**]، نامه پارسی، سال ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۹۲ تا ۲۰۲).

اینکه کوربن کی و چگونه متوجه اسلام و ایران شد، مطلبی است که کاملاً روشن نیست و حداقل این است که من چیزی در این زمینه نمی دانم، اما این نکته مسلم است که آزاداندیشی یا آزادنگری تشیع موجب جلب و جذب کوربن شد و تا پایان عمر در افکار و آثارش انعکاس یافت و اسلام ایرانی حاصل جمع نتیجه آنهاست.

گزارش ما در اینجا عمدتاً به مباحثی مربوط به روح و باطنی در قرون به صورت «امواج روح» ایرانی جلوه می‌دهد. کورین در این کتاب کوشیده است تا نشان دهد که «ماوراءالطبیعه» در اصل تشیع دوازده امامی را که از ابتدا عمیقاً در ایران است» شرح دهد. او نشان می‌دهد که «ماوراءالطبیعه» (معنویت شیعی) هر یک جوهر دیگری است و از تصاویر و نمادها و آیین‌ها و سنن جلوه‌گر است فراتر می‌روند. باطنیت شیعی با فرق و نحله و مانند اینها خود «طریقت» است و شناخت آن در مقام راهنمای فرد، او را به شناخت خود می‌رساند.

کورین این چکیده را که از «مقدمه» او نقل کرده‌ایم در هفت فصل مستقل جلد اول به تفصیل توضیح داده است.

در باب شیعه تحقیقات اندکی در زبان فرانسوی صورت گرفته است و عامه مردم [روزگار کورین] حتی اگر هم اهل فلسفه و تاریخ باشند و مثلاً به خوبی افلاطون را بشناسند، هیچ اطلاعی درباره تشیع و شیعه ندارند و یا اطلاعاتشان بسیار سطحی و ناقص‌اند. و این مشکل اصلی محققانی است که می‌خواهند تشیع را به خواننده فرانسوی بشناساند (ص ۳ و ۴). لذا فصل اول با طرح مسئله و تعریف لغوی و تاریخ تشیع که یک «عالم معنوی» است و اینکه «تاریخ فلسفه و معنویت اسلامی آکنده از شخصیت‌های ایرانی است» (ص ۱۱) آغاز می‌شود و به طرح «برخی پیشداوری‌ها درباره تشیع» و اصرار مخالفان برای وانمودن تشیع همچون «اسلام جنبی» (ص ۱۵) می‌رسد و پس از تصور مشابهت‌هایی میان مشکلات تشیع و تأله مسیحی از «ضرورت حل جمعی مسائل» سخن به میان می‌آورد (ص ۲۲).

در فصل دوم «مفهوم تشیع دوازده امامی» مطرح و بررسی شده است. در اینجا با «اندیشه بنیادی اعتقاد به امام» (ص ۳۹)، «فلسفه پیامبرانه و آیین تعلیمی» که «داو پیکار معنوی» تشیع در چند جنبه است و به کمک «کلام» و «باطن» تحقق می‌یابد (ص ۴۳) و بر اندیشه‌های امام جعفر صادق استوار است (ص ۵۱)، «همه وجودی دوازده امام» (ص ۵۳) و «چهارده معصوم» (ص ۵۵)، «تناقض‌هایی که بر سر راه امامیه و شیعه قرار دارند» (ص ۷۴) آشنا می‌شویم.

در فصل سوم موضوع «پیکار معنوی تشیع» (ص ۸۶) مطرح می‌شود که شامل این مباحث است: وضعیت روحانیان شیعه



دامنه آن» (ص ۱۲۷).

«پدیده کتاب مقدس» (ص ۱۳۵) موضوع فصل چهارم است و ضمن آن به «اهل کتاب»، تأویل آیات، فضاها و چشم‌اندازهای تفسیر و تأویل معنوی (ص ۱۳۸)، توجه به قبله و کعبه (ص ۱۴۳)، شعور تاریخی و شعور کیهانی (ص ۱۵۱) که به بحث ظاهر و باطن می‌انجامد (ص ۱۵۳)، تاریخی‌سازی یادرونی‌سازی (ص ۱۵۹) که عمدتاً حاوی آرای فیلسوفان غربی است و انطباق آن با عرفان و تجلی عرفانی، معرفت معنوی و صورتهای زمانی بر حسب آرای سمنانی و

که در سی و شش سالگی در حلب، در راه آرمان خود شهید شد. آثارش به خوبی مبین اندیشه‌اش هستند؛ باززایی حکمت ایران باستان یعنی فلسفه نور و ظلمت از طریق تأویل که تأویل اسلامی سرشار از منابع آن است.

در آثار سهروردی نامهای افلاطون و زرتشت درهم می‌آمیزند و در مقام پیشگامان یک سنت شرقی، تبارشان به هرمس پدر حکما می‌رسد. سهروردی اندیشه‌های افلاطون را با مفاهیم و اصطلاحات زرتشتی تعبیر و تفسیر می‌کند: میان عالم معقول و عالم محسوس یک عالم سوم به نام «عالم مثال» [هورقلیا] وجود دارد که فلاسفه به شناخت آن نایل نشده بودند. این عالم «تخیلی» نیست، بلکه کاملاً واقعی است که نامی جز همان عالم مثال ندارد. سهروردی با تدوین «علم مکونات» یا مجردات به شناسایی این سه عالم رسید و آن را به این صورت بیان کرد: واقعیت عینی وحی‌های پیامبران، رؤیتهای عارفان، وقایع وحی پیامبر. یعنی در واقع نوعی «ماوراءالطبیعة نور» که با «سرچشمه ازلی» یکی است و در آیین زرتشتی «خورنه» (نور پیروزی و افتخار) نامیده می‌شود.

این مباحث در هفت فصل بررسی شده‌اند: زندگی و شهادت و پیدایی اشراقیون؛ الهیات شرقی و حکمت و معرفت شرقی و سلسله مراتب معنوی و قطب عرفانی؛ خورنه زرتشتی و فرشته‌شناسی و سرچشمه شرقی حکمت و الهامات کبخسرو... و طبیعت کامل؛ مکتب هرمس و مکتب میترا و چگونگی بروز و ظهور شجره خورنه و غایت شرقی و اندیشه‌های یک عارف خسروانی؛ رساله عقل سرخ و رفتار عرفانی ایرانی؛ هدف رساله، مقدمه آن که شامل پنج مرحله است، هفت موضوع مورد بحث در آن از تولد زال تا درگذشت اسفندیار، ترجمه (فرانسوی) متن رساله.

فصل ششم به بررسی رساله قصه غربت غربی و رفتار عرفانی تعلق دارد و با بحث از تاریخ غنوص (اصول حکمت دینی) آغاز می‌شود. پس از آن به تجزیه و تحلیل «قصه» می‌رسیم که متن عربی و فارسی آن را خود کوربین منتشر کرده است (تهران، ۱۳۳۱) و با ترجمه فرانسوی آن (۲۸۸ تا ۲۹۴) تکمیل می‌شود. پس از آن مبحث مفصلی (۲۹۴ تا ۳۲۵) به «دیدار عارف و فرشته (ملک مقرب)» اختصاص دارد و با بیان «راز مقام شخصی (ملکوت)» پایان می‌یابد.

فصل هفتم (آخر) به «سنت شرقی» اختصاص یافته (۳۳۵) و متشکل از این مباحث است: میراث معنوی در راه خسروانی (۳۳۵). تداوم اشراقیت در ایران و هند (۳۴۶). تغییر شکل کیش «اروس / Eros» خدای یونانی عشق...

این جلد صورت کمال یافته و تکمیل شده یک سخنرانی است که هانری کوربین در آبان ۱۳۲۴، به هنگام پذیرفته شدن به عضویت انجمن ایران‌شناسی (به ریاست روانشاد پورداود) ایراد کرد و متن فرانسوی آن، همراه با ترجمه فارسی با عنوان روابط

قاضی سعید قمی (۱۷۶).

فصل پنجم به بررسی «باطنی‌گری و تأویل» (۱۸۶) اختصاص دارد و ضمن آن مباحث زیر بررسی شده‌اند: «سیر امامان یا چهار سطح (درجه) باطنی‌گری» (۱۸۶) و مراحل باطن، باطن نبوت، ظاهر، عصمت، غیبت، سیرالسر، حق‌الحق... نزول تجلی‌گونه کتاب مقدس (۱۹۹) از لوح محفوظ به عالم امر و عالم خلق، تأویل باطنی قرآن (۲۱۲) و تفاوت آن با تفسیر.

فصل ششم مربوط است به «پیامبرشناخت و امام‌شناخت» (۲۱۹) که ضمن آن به مباحث زیر پرداخته شده است: ضرورت وجود پیامبر و ائمه و توضیح نبی، نبی مرسل، رسول، نبوت، ولایت، حجت، نایب، وحی، الهام؛ طبقات پیامبران و امامان (۲۳۵) که مخبر عن الله برای القاء العلوم و تعلیم هستند؛ میراث پیامبری و امامت (۲۵۱)؛ علمی که از پیامبران به میراث می‌رسد (۲۶۲) و اینکه پیامبر خزانه علم است و خانواده‌اش یعنی ائمه «بیت‌العلم و المعرفة والحکمة» (۲۶۴)؛ دایره نبوت و دایره ولایت (۲۷۱).

در فصل هفتم (آخر) موضوع «معنای امام برای معنویت شیعی» (۲۸۵) مورد بحث قرار گرفته که در مباحث زیر تبیین شده است: «تشیع در مقام کیش عشق روحانی که به معرفت خود می‌انجامد» (۲۸۵) و بحثهای ولایت، محبت، محب، ولی و... رسیدن به «جان‌جان»؛ «امام در مقام راهنما و قطب» (۳۰۳) و اینکه هادی و حجت و انسان کامل و برخوردار از علم لدنی (۳۰۷) است؛ و اینکه «امام عارف است» (۳۱۰) و «شاهد و شهید خدا و مظهر شهود و حضور است» (۳۲۱) و بالاخره «امام غایب» که موضوع کتابی مستقل است.

سهروردی و افلاطونیان ایران

جلد یکم، چنانکه دیده شد به طرح و بررسی چند وجه اصلی تشیع امامی یادآورده امامی که در ایران شکل گرفته و ریشه دوانده است، اختصاص داشت. در جلد دوم به وجهی دیگر از اسلام ایرانی پرداخته می‌شود که به همان اندازه اصلی و اساسی است، اما بر فلسفه و معنویت اسلام استوار است و آن وجهی است که با صفت یا عنوان «اشراق» مشخص می‌شود که از شرق و جایگاه برآمدن خورشید گرفته شده است.

فلسفه اشراق همچون تاله نور خداشناسی «شرقی» است و فلاسفه اشراقی «فلاسفه شرقی» در معنای ماوراءالطبیعی کلمه شرق هستند و در تقابل با مشائون مسلمان «فلاسفه افلاطونی» هم نامیده می‌شوند. سرمنشأ این فلسفه یک فیلسوف جوان قهرمان و نابغه ایرانی به نام شهاب‌الدین یحیی سهروردی است

حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان (محرکهای زرتشتی در فلسفه اشراق)، گزارش احمد فرید و عبدالحمید گلشن، به صورت نشریه شماره ۳ انجمن در ۱۳۲۵ منتشر شد. نگارنده ترجمه تازه‌ای از این متن تهیه کرده که انتشارات اساطیر آن را چاپ کرده است.

رهران عشق، تشیع و تصوف

جلد سوم اسلام ایرانی به بررسی احوال و آثار چند تن از بزرگان عرفان شیعی یا متأثر از تشیع اختصاص دارد و پس از دیباچه‌ای کوتاه با شرح حال و زندگی روزبهران بقلی شیرازی (۵۲۲ تا ۶۰۶ ق) و ترجمه فرانسوی این آیه آغاز می‌شود که: «یا اینها النفس المطمئنه، ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (فجر، ۲۷ و ۲۸).

روزبهران بقلی شیرازی از عارفان شوریده سر و دل از دست داده‌ای است که از نوجوانی به «رویت» می‌رسد و به عالم تصوف گام می‌نهد و پس از آشنایی با افکار و آرای حسین منصور حلاج و کیش «انالحنق» او به تبلیغ و تعلیم صورت تلطیف یافته آن می‌پردازد. آثار و آرای او به خوبی مُعَرَّف معنویت تصوف ایرانی هستند.

به عقیده روزبهران، صوفی نه گناهکار است نه بیمار و نه محروم (و حرمان دیده) و نیازی به «توجیه» احساس نمی‌کند. او یک بیگانه (غریبه) و مطرود است و فقط به این می‌اندیشد که به اصل خود بازگردد. لذا از شریعت به طریقت روی می‌آورد تا به حقیقت برسد، و این امر قواعد و اصولی دارد که روزبهران آنها را در کتاب **عبر العاشقین** دسته‌بندی و بیان کرده است و هانری کوربن با همکاری دکتر محمدمعین متن فارسی آن را با دو مقدمه به فارسی و فرانسوی چاپ کرده‌اند. آنچه کوربن در اینجا نوشته صورت اصلاح شده و تکمیل یافته همان مقدمه است.

اما تصوف ایرانی منحصر به روزبهران بقلی نیست، زیرا بسیار بزرگان دیگر هم در این عرصه وجود داشته‌اند که یکی از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین آنان سیدحیدر آملی، موضوع فصل اول کتاب دوم از این جلد سوم است.

کوربن پیش از این در همین مجموعه (جلد اول، فصل سوم) و موقعیتهای دیگر از سیدحیدر آملی یاد کرده است. سیدحیدر در تفسیر آیه «انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فاین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً» (احزاب، ۷۲) معتقد است که فقط انسان شایستگی حمل «بار امانت الهی» را دارد، نهایت اینکه آدمی باید به «عرفان» شیعی از طریق تعالیم ائمه (ع) دست یابد تا توانایی حمل این امانت را بیابد. آثار سیدحیدر جوهر باطنیت اسلام را که از راه تشیع تحقق می‌یابد نشان می‌دهند. این امر مخصوصاً در کتاب **جامع الاسرار** مطرح و تبیین شده است. خلاصه اینکه در نظر سیدحیدر آملی تشیع دوازده امامی، باطن اسلام و مذهب معنوی و روحانی و معنای واقعی وحی است و چون تصوف هم به باطن می‌پردازد شکلی دیگر از تشیع را عرضه می‌دارد.

کوربن پس از بحث در کلیات و زندگینامه و آثار سیدحیدر، فصلی را به گفت‌وگو از «تشیع و تصوف» اختصاص داده که درآمدی است بر فصل «توحید الوهی و توحید وجودی» و تبیین

معنای «لااله الاالله».

در اینجا توضیحاً بیفزایم که هانری کوربن با همکاری عثمان یحیی امصری [در سال ۱۳۴۸ کتابی با عنوان **فلسفه شیعی** در تهران - پاریس انتشار داد که در ۱۳۶۸ تجدید چاپ شده است (۶۸+۸۳۲+۷۶ ص). ما مقدمه فرانسوی کوربن را به فارسی در آورده‌ایم که با این مشخصات چاپ شده است: هانری کوربن، «سیدحیدر آملی (سده هشتم): متأله شیعی عالم تصوف»، معارف (مرکز نشر دانشگاهی)، سال نوزدهم، شماره سوم (آذر - اسفند ۱۳۸۱)، ص ۶۱ تا ۸۷.

فصل دوم به معرفی و بررسی رساله‌ای اختصاص دارد که مؤلف آن ناشناخته است و در تعریف «هفت معنای باطنی قرآن» است. این رساله که در قرن هشتم نوشته شده تفسیری بس والا درباره حدیث مربوط به وجود هفت معنای باطنی قرآن به زبان فارسی است و در مجموعه شهید علی در ترکیه جای دارد که هلموت ریتز آن را شناسایی و معرفی کرده و کوربن آن را در محل کتابخانه واریسی کرده است. این رساله به تعریف اصطلاحات (یا مراحل و یا مقامات)ی همچون اهل تصوف، مقامات، مدارج، معارج، مکاشفه، وقت، حال، وجد، ذوق، سکر، قبض، بسط... اختصاص دارد.

در فصل سوم به بررسی آرای صائِن الدین علی ترکه اصفهانی (در گذشته در ۸۳۰ ق) پرداخته شده است که فیلسوفی عارف بوده و به حکمت اشراق سهروردی آشنایی داشته و **فصوص** ابن عربی و نیز **گلشن راز** شیخ محمود شبستری را شرح کرده است. او رساله‌ای در باب انشقاق قمر با عنوان رساله **شق القمر** دارد که مؤلف از نسخه خطی آن استفاده کرده است.

کوربن در اینجا درباره معنای شق القمر و تأویل آن و زمان آفاقی و زمان انفسی و آرای فقها و محدثان در این زمینه به اجمال بحث کرده و به مبحث «فلاسفه اسلام» رسیده است (که البته موضوع کتابی جداگانه از او نیز هست با عنوان **فلسفه اسلامی**). او از فلاسفه مسلمان با عنوان «حکمای اسلام» نام می‌برد که در نزد اهل سنت «متکلمون» نامیده می‌شوند و عمدتاً از «حکمای ظاهر» و مشائون پیرو ارسطو هستند.

در اینجا با مباحثی مثل اصول (عقاید)، کوکب، فلک، عقل فعال، عقل مستفاد و تأویل آنها آشنا می‌شویم و یک بار دیگر به الهیون نور (اشراقیون) می‌رسیم که درآمدی برای پرداختن دوباره به «صوفیه» است که اهل شهوند و میان نبوت و ولایت جمع می‌کنند.

اما توجه به باطن در میان اهل تصوف به اشیاء و موجودات محدود نمی‌ماند و دوره‌ای می‌رسد که «علم حروف» مورد توجه قرار می‌گیرد و برای حروف هم باطن تصور می‌شود که ریشه در اسلام اسماعیلی قرن هفتم ق. دارد و مهم‌ترین نماینده آن شیخ فضل الله استرآبادی است که در سال ۷۹۶ ق. به فرمان تیمور کشته می‌شود. اما همه این تحولات در مجموع به رونق تشیع و تحکیم آن می‌انجامد که به روزگار صفویان به مذهب رسمی ایران تبدیل می‌شود.

در فصل چهارم «هفت رکن لطیف آدمی برحسب رأی علاءالدوله سمنانی (در گذشته در ۷۳۶ ق)» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که صاحب شمار درخور توجهی تألیفات

عرفانی است، هر چند که تعدادی اندک از آنها بازمانده است، مثل کتابی در تفسیر قرآن مجید که «اثری استثنایی در ادبیات عرفانی متأثر از داده های قرآنی» شمرده می شود.

سمنانی به وجود «لطائف انسانی» معتقد است و آنها را هفت رکن لطیف یا هفت پیامبر وجود آدمی می شمارد (آدم وجودک) این لطایف عبارت اند از: «لطیفة قلبیه» و «لطیفة نفسیه» و «لطیفة انانیة» و «لطیفة سیریة» و «لطیفة خفیه» و «لطیفة روحیه» و «لطیفة حقیقه» که هر کدام را متعلق یا وابسته به یک پیغمبر می داند: نوح، ابراهیم، موسی، داوود، عیسی... و محمد (ص).

اما نقطه حساس در عرفان سمنانی که متأثر از طریقت نجم الدین کبراست، این است که وجود آدمی را برخوردار از عنصر جبرئیلی هم می داند، و از «جبرئیل وجودی» می گوید و معتقد به «لطیفة جبرئیلیه» ای است که روح القدس است.

مکتب اصفهان، مکتب شیعه است که در قرنهای چهارم تا پنجم هجری بیش از این کتب عمده را در چهار جلدی به طرز مسیحا عمده و منظم در دسترس داشت و ضمن آن و نیز در کتابهای خود

۱۰۴۱) جای دارد که در مسجدی در قم به مکاشفه می پردازد و در عالم تنهایی به کشف و شهود می رسد و به راز «غیبت» پی می برد و علم را در خدمت عرفان درمی آورد. میرداماد بنیان گذار مکتبی است که بزرگانی همچون محمدباقر مجلسی (در گذشته به سال ۱۱۱۱) و محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰) و ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۱) را در عرصه خود پرورده است.

از ملاصدرا که نامدارترین شاگرد میرداماد است، غالباً در طی مجلدات پیشین این مجموعه نام برده شده است. او نیز از طریق الهام به عالم فلسفه و عرفان فلسفی و تشیع عرفانی راه برد و مکتبی پدید آورد که بر پایه فلسفه نبوت استوار است و به رستاخیز «ماوراءالطبیعی» آن می رسد. حاصل این سیر و سلوک دینی - فلسفی چند تألیف عمده و پرمایه است که مهم ترینشان کتاب «الاربعه العقلیه» نام دارد و از امهات کتب فلسفی - عرفانی است. اهمیت تفکر ملاصدرا و آثار او مخصوصاً در این است که به حکمت اشراق آشنایی تمام داشته و حتی متأثر از حکمت اشراق است.

دیگر از نمایندگان عمده مکتب اصفهان قاضی سعید قدس سره است که در سال ۱۱۰۳ (ق) است که به سبب اصالت تفکر و فلسفه اش مورد توجه پژوهشگران است و دنباله روانی در او به خوبی محتوا و جهت فکری اش را نشان می دهد. او به خوبی (حاوی آرای اصلی او درباره فلسفه) است. کتاب «الاربعون» (تفسیر چهل حدیث)، کتاب «کتاب التوحید» (که تفسیر کتابی از ابن بابویه است) است.

«مکتب شیخی» است و در آن، احمد علی و آثار شیخ احمد اربابی و پیروان و جانشینان او همچون شیخ کریمخان کرمانی، شیخ محمدخان کرمانی، شیخ ابوالقاسم خان کرمانی، این مکتب معرفی شده اند.

«انام دوازدهم و فتوت معنوی» اختصاص دارد و از سه فصل است: مدح و ستایش امام دوازدهم (که سلسله امامت به او ختم می شود، زیرا که خاتم ولایت محمدی است) و به فرمان الهی در حال غیبت به سر می برد؛ دوره «غیبت کبری»؛ و «فتوت معنوی» پاروحانی. کتاب با یک «فهرست عمومی» چهار جلد در ۱۰۷ صفحه به پایان می رسد.

ناگفته نماند که اولاهانری کوربن این فصل یاد دفتر آخر را بعداً مورد بررسی و تجدیدنظر و تصحیحات و الحاقات قرار داد که به صورت کتابی مستقل با عنوان امام غایب منتشر شده است و ترجمه فارسی آن با عنوان از سهروردی تهایدگر به قلم آقای دکتر حامد فولادوند به همین زودیه انتشار می یابد. ثانیاً موسسه انتشاراتی قصبه سراد در تدارک ترجمه و چاپ مجموعه اسلام ایرانی است و تاکنون قسمتهایی از آن ترجمه شده است.

پانوش:

مکاتب مختلف تشیع در طی قرنهای اول تا نهم هجری مورد بررسی قرار گرفتند تا وجوه مختلف روابط تشیع با تصوف روشن و نموده شوند. در جلد سوم مخصوصاً به تحقیق در آثار اولی رای چهار مؤلف و متفکر بزرگ قرنهای هشتم و نهم هجری و تحلیل آنها پرداخته شده بود که عبارت اند از: سیدحیدر آملی، صائین الدین اصفهانی، علاءالدوله سمنانی و شیخ نجم الدین کبری. اما محتوا و ساختار جلد چهارم به کلی متفاوت است، زیرا از نظر زمانی دوره ای را دربرمی گیرد که اولاً تشیع مذهب رسمی کشور است و ثانیاً مرکزیت علمی و تحصیلی و تحقیقی تشیع به اصفهان انتقال یافته و به همین دلیل است که کوربن از «مکتب اصفهان» نام می برد که موضوع دفتر اول از این جلد است.

رونق یافتن تشیع باشکوفایی یک تفکر فلسفی همراه است که در اسلام بی سابقه است، اما برخاسته از صفر یا عدم نیست، بلکه نوعی باززایی تفکر فلسفی شیعی است که در قرنهای گذشته پدید آمده و شکل گرفته است و نمایندگان هر دو مکتب عمده فلسفی افلاطونی (اشراقی) و ارسطویی (مشائی) در آن جلوه می کنند.

در رأس متفکران جدید شیعی میرداماد (در گذشته در سال